

سقوط ذخایر راهبردی نفت آمریکا به کمترین رقم ۴۰ سال اخیر

آمادگی صفر آمریکا برای شوک نفتی هرمز



گزارش

از زمان شروع جنگ تحمیلی علیه ایران در ۹ اسفندماه سال گذشته واقدام متقابل سپاه در مسدود کردن تنگه هرمز که محل عبور یک پنجم نفت جهان است، دولت آمریکا برای جلوگیری از شوک شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی ، اقدام به عرضه گسترده از ذخایر راهبردی نفت خود کرد. اما اکنون در حالی با نقض تفاهم آتش بس با ایران از سوی ترامپ شاهد مسدود شدن تنگه هرمز هستیم که ذخایر راهبردی نفت آمریکا به پایین ترین میزان در بیش از ۴ دهه گذشته رسیده است. یعنی در حالی اقدام قاطع ایران در بستن تنگه هرمز مجدداً بحران نفتی در اقتصاد جهان ایجاد خواهد کرد و عرضه نفت را حداقل ۲۰ درصد کاهش خواهد داد که ذخایر راهبردی نفت آمریکا به تنه دیگ رسیده است و ترامپ دیگر ابزاری برای جلوگیری از شوک نفت ندارد. کاملاً مشخص است که ترامپ با حمله مجدد به ایران، آمریکا را با بحران امنیت انرژی شدیدی مواجه می کند. ذخایر راهبردی نفت خام ایالات متحده با کاهش ۳ میلیون بشکه‌ای در هفته گذشته، به رقم ۳۱۶ میلیون بشکه رسید؛ رقمی که پایین ترین سطح ثبت شده از سال ۱۹۸۳ تا به امروز یعنی در ۴۱ سال گذشته است. این کاهش در حالی روی می دهد که دولت آمریکا از ماه مارس گذشته در واکنش به اختلالات عرضه نفت ناشی از درگیری با ایران، مجوز آزادسازی ۷۲ میلیون بشکه نفت از این ذخایر را صادر کرده است. براساس داده‌های وزارت انرژی آمریکا این ذخایر اکنون کمتر از نیمی از ظرفیت حداکثری خود یعنی حدود ۷۲۷ میلیون بشکه را در خود جای داده‌اند. ذخایر راهبردی نفت آمریکا (SPR) در پی بحران نفتی سال ۱۹۷۳ و به منظور ایجاد یک سپردفاعی در برابر شوک‌های عرضه نفت تأسیس شد. این ذخایر در غارهای نمکی بزرگ در سواحل خلیج مکزیک در ایالت‌های تگزاس و لوئیزیانا نگهداری می شوند. بزرگ‌ترین عامل این کاهش، جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایران است که از اواخر فوریه آغاز شد. همچنین با تداوم تنش‌ها در منطقه، قیمت نفت همچنان سیر صعودی دارد. قیمت هر بشکه نفت خام برنت با عبور از ۸۳ دلار، به بالاترین سطح خود از تاریخ ۲۲ ژوئن رسید.

بحران فرسودگی مخازن نفت آمریکا

حداکثر توان آمریکا برای برداشت روزانه نفت از مخازن خود از ۴۰۴ میلیون بشکه به ۱۰۵۱ میلیون بشکه کاهش یافته که حتی کمتر از مصرف روزانه یک ایالت بزرگ مانند تگزاس یا کالیفرنیاست. براساس گزارش دیوان محاسبات آمریکا، یک چهارم از کل ذخایر راهبردی نفت آمریکا به دلیل خرابی تجهیزات و تغییر شکل مخازن زیرزمینی، غیرقابل دسترسی شده است. این خرابی‌ها ظرفیت واقعی این ذخایر را برای تحویل و دریافت نفت به ترتیب به ۵۶ و ۵۶ درصد ظرفیت طراحی کاهش داده است. کارشناسان دلیل اصلی این وضعیت را بهره‌برداری بی‌رویه و فرسودگی طبیعی مخازن می دانند. به گفته «یوئل ماریشف» عضو شورای کارشناسی جامعه نفت روسیه، تماس طولانی مدت نفت خام با دیواره‌های مخازن، فرآیندهای خوردگی و اکسیداسیون را تسریع کرده و به تخریب زیرساخت دامن زده است. از سوی دیگر در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳، جو بایدن با برداشت بیش از ۲۴۰ میلیون بشکه، ذخایر را از ۶۰۰ میلیون بشکه به ۳۶۰ میلیون بشکه کاهش داد. با این حال پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ این رویه متوقف نشد و رئیس جمهور فعلی آمریکا در سال ۲۰۲۴ (در حالی که سال هنوز به پایان نرسیده است) رکورد جدیدی ثبت و با برداشت ۷۲۲ میلیون بشکه در واکنش به جنگ منطقه‌ای ایران، ذخایر را با سرعت ۸ میلیون بشکه در روز خالی کرد. براساس گزارش وزارت انرژی آمریکا، ذخایر فعلی به ۳۱۹ میلیون بشکه کاهش یافته که پایین ترین رقم از سال ۱۹۸۳ است. کارشناسان معتقدند با توجه به فرسودگی زیرساخت‌ها، ذخیره مؤثر و قابل استفاده در حال حاضر به حدود ۲۵۰ تا ۲۵۵ میلیون بشکه محدود شده است. حداکثر توان تخلیه روزانه نیز از ۲۰۴ میلیون بشکه به ۱۰۵۱ میلیون بشکه کاهش یافته که حتی کمتر از مصرف روزانه یک ایالت بزرگ مانند تگزاس یا کالیفرنیاست. گزارش‌ها حاکی از آن است که بازسازی و تعمیر زیرساخت‌های این ذخایر حداقل به ۲۲ میلیون دلار هزینه‌وری نیاز دارد و وزارت انرژی اعلام کرده که پر کردن مجدد این ذخایر سال‌ها زمان و بیش از ۲۰ میلیارد دلار هزینه خواهد برد. تحلیلگران معتقدند این وضعیت، قدرت مانور ترامپ را در مسائل غرب آسیا به شدت محدود کرده و احتمال هرگونه رویارویی نظامی جدید را کاهش می دهد، چراکه بازار جهانی دیگر توان تحمل بحرانی دیگر را ندارد.

ذخایر نفت ترامپ کمتر از قبل تفاهم

در هفته‌های اخیر یک خط تحلیلی در فضای مجازی رسانه‌های فارسی‌زبان مطرح می شود که مدعی است هم‌زمان با کاهش تنش‌های نظامی میان ایران و آمریکا پس از آتش بس و امضای تفاهم‌نامه، آمریکا از این فرصت برای پر کردن ذخایر نفت خام خود استفاده کرده است. بررسی داده‌های رسمی نشان می دهد گرچه دولت ترامپ از طریق آتش بس و امضای تفاهم‌نامه توانسته قیمت نفت و به دنبال آن قیمت بنزین و گازوئیل را پایین بیاورد، اما این استدلال که آمریکا از فرصت آتش بس و امضای تفاهم‌نامه برای پر کردن ذخایر نفت خام استفاده کرده، ادعای غلطی است، به‌طوری که بر اساس داده‌های وزارت انرژی آمریکا، در همین مدت (آتش بس و سپس امضای تفاهم‌نامه) ذخایر نفت خام آمریکا نه تنها افزایش نیافته، بلکه به پایین ترین حد خود از آوریل ۱۹۸۳ نیز رسیده است. طبق این داده‌ها، ذخایر استراتژیک نفت آمریکا (SPR) در حال حاضر ۳۱۹ میلیون بشکه بوده که نسبت به زمان اعلام آتش بس کاهش ۹ میلیون بشکه‌ای و نسبت به زمان امضای تفاهم‌نامه کاهش ۲۰ میلیون بشکه‌ای داشته است. تحلیلگران بین المللی می گویند گرچه کاهش حجم این ذخایر به تنهایی به معنای توانایی آمریکا در مدیریت بازار جهانی نفت با تصمیم‌گیری درباره شروع جنگ نیست؛ چراکه واکنشنگن و افزایش در ابزارهایی مانند تولید گسترده نفت شیل، ذخایر تجاری، هماهنگی با اعضای آژانس بین المللی انرژی و ظرفیت‌های دیپلماتیک برای مدیریت شوک‌های عرضه برخورد از است؛ با این حال، افت سطح ذخایر استراتژیک، حاشیه امنیت انرژی آمریکا را کاهش داده و هزینه اقتصادی مواجهه با هرگونه اختلال تازه در بازار نفت را به طور چشمگیری افزایش می دهد.

سقوط ذخایر نفت آمریکا به کف ۴۳ ساله

طبق این داده‌ها، در حال حاضر بر اساس آخرین داده‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، حجم ذخایر استراتژیک نفت آمریکا (SPR) به کمترین مقدار در دوره ۴۳ ساله (از آوریل ۱۹۸۳ تاکنون) رسیده است. این کاهش بخشی از برنامه آزادسازی ۷۲ میلیون بشکه‌ای دولت آمریکا و سایر اعضای آژانس بین المللی انرژی برای جبران اختلال عرضه ناشی از جنگ علیه ایران بوده، نکته مهم آن است که برخلاف برخی گمانه‌زنی‌ها، هیچ نشانه‌ای از آغاز فرآیند پر کردن مجدد ذخایر در داده‌های EIA دیده نمی شود. کارشناسان انرژی می‌گویند این وضعیت علاوه بر پیامدهای اقتصادی، از منظر فن‌ی نیز ظرفیت آمریکا برای مدیریت یک شوک نفتی طولانی مدت را محدودتر از گذشته کرده است.

کاهش ۹ میلیون بشکه‌ای پس از آتش بس

طبق آماریان اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، طی حدود دو تا سه هفته پس از امضای تفاهم‌نامه بین ایران و آمریکا، موجودی ذخایر استراتژیک آمریکا از ۳۴۰ میلیون بشکه در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۲۴ (۲۷ خردادماه ۱۴۰۵) حدود ۲۰ میلیون بشکه کاهش یافته و در هفته منتهی به ۳ ژوئیه به ۳۱۹ میلیون بشکه رسیده است. بر اساس داده‌های رسمی EIA، ذخایر فعلی

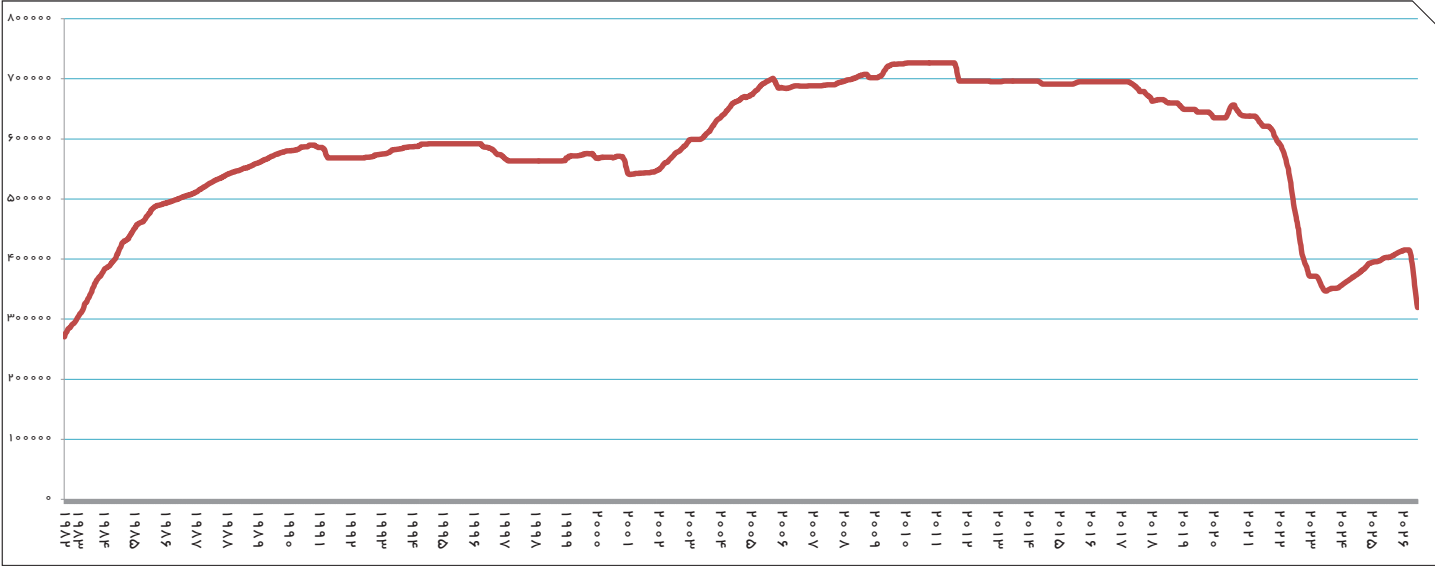


سقوط ذخایر راهبردی نفت آمریکا به کمترین رقم ۴۰ سال اخیر

آمادگی صفر آمریکا برای

شوک نفتی هرمز

موجودی ذخایر راهبردی نفت آمریکا از سال ۱۹۸۲ تاکنون (هزار بشکه در روز)



زیادی به ذخایر اضطراری دولت‌ها شده است. آژانس بین المللی انرژی پس از اختلالات در تنگه هرمز که قیمت نفت خام را به شدت افزایش داد، آزادسازی بی سابقه ۲۰ میلیون بشکه نفت را هماهنگ کرد. نفت خام برنت در اواخر آوریل به بالای ۱۲۴ دلار در هر بشکه رسید و نفت خام آمریکا در اوایل مارس به ۱۲۰ دلار نزدیک شد. طبق گزارش شرکت تحلیل کالای کیپلر، جایگزینی مجدد ذخایر نفتی مصرف شده در طول جنگ علیه ایران می تواند تا سه ماهه سوم سال ۲۰۲۷ زمان ببرد. کریس رایت، وزیر انرژی ایالات متحده در اواخر ژوئن در رویداد رویترز، به شدت کاهش قیمت نفت را به بازار هر بشکه‌ای که تحت قراردادهای مبادله آزاد می شود، به طور متوسط ۱.۲۸ بشکه دریافت کند. رایت گفت که این بازگشت سرمایه به افزایش موجودی ذخایر استراتژیک ایالات متحده به بالای ۴۰۰ میلیون بشکه کمک خواهد کرد و افزود که واشنگتن در حال بررسی راه‌هایی برای افزایش موجودی به بیش از ۵۰۰ میلیون بشکه است.

آیا کاهش ذخایر نفت دست ترامپ را بندد؟

در خصوص ذخایر استراتژیک نفت گفته شد که گرچه ترامپ توانست با آتش بس، قیمت نفت و به دنبال آن، قیمت بنزین و گازوئیل در آمریکا را کاهش دهد، اما اثر جایگزینی ذخایر نفت هنوز ناکام بوده است. همچنین در خصوص سؤالات نیز باید توجه داشت که در حال حاضر هرکال بنزین به قیمت ۲۰/۸ دلار بوده که یک دلار بالاتر از قبل از شروع جنگ علیه ایران (۲۸ فوریه ۲۰۲۴) است. از منظر اقتصادی، هرچه SPR کوچک تر باشد، هزینه مدیریت یک بحران نفتی جدید افزایش می یابد. درواقع اگر جنگ جدید باعث اختلال گسترده در صادرات خلیج فارس شود، دولت آمریکا ابزار کوچکی برای کنترل بازار نفت خواهد داشت. یعنی اگر محاسبات آمریکا این باشد که با شروع جنگ جدید، ایران از تمام ابزارهای خود از جمله بسن تنگه هرمز، در تأسیسات نفتی آمریکایی‌ها در منطقه و حتی بستن تنگه باب‌المندب از سوی انصارالله یمن اقدام کند، در چنین شرایطی اگر همراهی بین المللی برای دولت ترامپ صورت نگیرد، توان آزادسازی نفت دولت ترامپ برای مهار قیمت‌ها محدودتر می شود؛ مدت زمان حمایت از بازار کاهش می یابد؛ بازار نفت نسبت به هر خبر نظامی حساس تر خواهد شد و در نتیجه، ریسک جهش قیمت بنزین در آمریکا افزایش می یابد؛ موضوعی که برای هر رئیس جمهوری، به‌ویژه در فضای سیاسی فعلی آمریکا که انتخابات نوامبر در پاییز پیش رو دارد، اهمیت بالایی دارد؛ بنابراین SPR پایین الزاماً مانع جنگ نیست، اما هزینه اقتصادی آغاز جنگ جدید را برای دولت آمریکا افزایش می دهد. حال در اینجا شاید بد نباشد که دوباره این سؤال را طور دیگری بررسی‌م. اینکه رسیدن دوباره ذخایر نفت آمریکا به سطح مطلوب قدر زمان می برد. اگر موجودی فعلی را حدود ۳۲۰ میلیون بشکه در نظر بگیریم، برای رسیدن به ۴۰۰ میلیون بشکه حدود ۸۰ میلیون بشکه افزایش لازم است. براساس برنامه اعلام‌شده وزارت انرژی و قراردادهای Exchange،

جایگزینی ذخایر نفت تا سال ۲۰۲۸ زمان می برد

براساس گزارش اخیر خبرگزاری رویترز، تحلیلگران و مقامات دولتی برآورد می کنند که دولت‌ها قرار است تا سال ۲۰۲۸ میلیون ها بشکه نفت خریداری کنند تا ذخایر اضطراری را که در اثر کاهش تولید از بین رفته اند جایگزین کنند. درواقع فرآیند کاهش شکاف عرضه جهانی نفت ناشی از جنگ آمریکا واسرائیل علیه ایران حدود ۱،۵ سال زمان می برد. برآورد نشان می دهد اختلالات عرضه ناشی از جنگ علیه ایران منجر به از دست رفتن ۱.۵ میلیارد بشکه از موجودی جهانی نفت در سال جاری شده که این اتفاق منجر به فشار استراتژیک نفت است.

نیز بیشتر خواهد شد. تحلیلگران انتظار دارند کشورهایی از جمله ژاپن و کره جنوبی ذخایر خود را به تدریج بازسازی کنند و تلاش‌های برای بازسازی احتمالاً به قیمت نفت و تصمیمات مربوط به هزینه‌های دولت بستگی دارد. علاوه بر جایگزینی شبکه‌های نفت آزاد شده در طول بحران، چندین کشور آسیایی که به منابع خلیج فارس متکی هستند، در پی شوک انرژی خاورمیانه، ظرفیت ذخیره‌سازی خود را برای تقویت امنیت انرژی گسترش می دهند. چین در حال ساخت ۱۱ سایت جدید ذخیره‌سازی استراتژیک نفت است، درحالی‌که هند قصد دارد از طریق پروژه‌های توسعه‌ای در پادور و چاندیگول، ظرفیت ذخایر استراتژیک نفت را بیش از دو برابر کند. فیلیپین نیز با حمایت ژاپن در حال توسعه یک سیستم ملی ذخایر استراتژیک نفت است.

این بازسازی عمدتاً طی اواخر ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۸ انجام خواهد شد، نه ظرف چند ماه. رویترز نیز بر اساس برآورد تحلیلگران انرژی گزارش داده است که فرآیند بازسازی ذخایر دولت‌های عضو OEA تا سال ۲۰۲۸ ادامه خواهد داشت. در نتیجه، اگر بحران جدیدی پیش از تکمیل این روند رخ دهد، آمریکا ناچار خواهد بود با ذخایری به مراتب کمتر از سطح تاریخی خود وارد آن بحران شود. در آن صورت، مقاومت ایران و طولانی شدن جنگ می تواند ضربات گسترده‌ای به بازار نفت و قیمت آن بزند. در مورد سطح مطلوب SPR از نظر فن‌ی دو مفهوم متفاوت وجود دارد. ظرفیت فیزیکی مخازن حدود ۷۱۴ میلیون بشکه است؛ اما سطح مطلوب عملیاتی موضوع دیگری است. در دهه‌های گذشته معمولاً موجودی SPR بین ۵۵۰ تا ۷۰۰ میلیون بشکه نگهداری می شد و همین محدوده به عنوان سطحی با حاشیه امنیت مناسب شناخته می شد. پس از جنگ اوکراین و سپس جنگ ایران، ذخایر به پایین ترین سطح چهار دهه سقوط کرد. دولت ترامپ اکنون رسماً هدف بیش از ۴۰۰ میلیون بشکه را اعلام کرده است، اما هم‌زمان وزیر انرژی گفته است واشنگتن در حال بررسی راه‌هایی برای افزایش موجودی به بیش از ۵۰۰ میلیون بشکه نیست. برخی کارشناسان معتقدند بازگرداندن SPR به محدوده ۶۰۰ تا ۶۵۰ میلیون بشکه به زمان، منابع مالی و شرایط مناسب بازار نفت نیاز دارد. اگر قیمت نفت بالا بماند، دولت احتمالاً روند خرید را کندتر خواهد کرد در فشار بیشتری بر برون‌جه و بازار وارد نشود. ازسوی دیگر، برخی کارشناسان معتقدند با افزایش تولید نفت شیل آمریکا (تولید روزانه بیش از ۱۳ میلیون بشکه نفت)، دیگر ضرورتی ندارد SPR مانند گذشته به نزدیکی ظرفیت کامل (بیش از ۶۵۰ تا ۷۰۰ میلیون بشکه) بازگردد، هرچند در مقابل گروهی دیگر معتقدند تحولات اوکراین و ایران نشان داد که آمریکا همچنان به یک ذخیره راهبردی بزرگ نیاز دارد.

ذخایر نفتی آمریکا به خط رسید

ذخایر نفت آمریکا که طی ماه‌های گذشته برای کنترل قیمت سوخت و مهار شوک‌های نفتی ناشی از تنش با ایران، برداشت شده بود، حالا به کمترین سطح خود از دهه ۱۹۸۰ رسیده است. ذخایر راهبردی نفت آمریکا برای روزهای عادی طراحی نشده بود؛ این ذخایر قرار بود در زمان جنگ، بحران عرضه، جهش قیمت نفت یا اختلال در مسیرهای انرژی، نقش ضربه گیر را برای اقتصاد آمریکا ایفا کند. اما اکنون همین ضربه گیر به شدت فرسوده شده است. براساس داده‌های منتشرشده از وضعیت ذخایر راهبردی نفت آمریکا، موجودی این ذخایر تا سوم ژوئیه ۲۰۲۴ به ۳۱۹ میلیون بشکه رسیده است. این عدد نه تنها پایین ترین سطح چند دهه اخیر محسوب می شود، بلکه نشان می دهد واشنگتن بخش بزرگی از ابزار اضطراری خود برای کنترل بازار نفت را مصرف کرده است.

ذخایر راهبردی: آخرین ابزار آمریکا برای مهار شوک نفتی

آمریکا در ماه‌های گذشته هر زمان بازار نفت با جهش قیمت روبه‌رو شد، از ذخایر راهبردی خود برداشت کرد تا مانع انتقال کامل بحران انرژی به قیمت بنزین، تورم و نارضایتی داخلی شود.

این سیاست تا زمانی جواب می داد که ذخایر آمریکا حاشیه امن کافی داشت. اما کاهش پی‌درپی موجودی نشان می دهد این ابزار دیگر قدرت گذشته را ندارد. وقتی سطح ذخایر به کف چند دهه‌ای می رسد، هر برداشت جدید می تواند خود به یک پیام منفی برای بازار تبدیل شود؛ پیامی که می گوید واشنگتن دیگر پشتوانه کافی برای مهار بحران ندارد. به بیان روشن‌تر، آمریکا در برابر شوک جدید نفتی هنوز ابزار دارد، اما ابزار اصلی و فوری آن به شدت تصفیف شده است.

تنگه هرمز: نقطه‌ای که ضعف آمریکا را آشکار می کند

تنگه هرمز فقط یک مسیر دریایی نیست؛ شریان اصلی انرژی جهان است. هرگونه اختلال در این مسیر می تواند قیمت نفت را بالا ببرد. هزینه حمل و نقل را افزایش دهد و بازار جهانی انرژی را وارد وضعیت اضطراری کند. در چنین شرایطی، کشوری می تواند بحران را بهتر مدیریت کند که ذخایر نفتی بالا، ظرفیت مداخله گسترده و توان تحمل شوک قیمت انرژی را داشته باشد. اما آمریکا اکنون پخش مهمی از ذخایر اضطراری خود را مصرف کرده و دیگر مانند گذشته نمی تواند با آزادسازی نفت، اثر تسهیل‌مندن یا تا‌ایمن شدن هرمز را خنثی کند. این یعنی قدرت بازاندازی اقتصادی ایران در حوزه انرژی افزایش یافته و هزینه هرگونه مداخله جراحیوی تازه برای آمریکا سنگین تر شده است.

جنگ فرسایشی انرژی به سود واشنگتن نیست

اگر تنش با ایران وارد مرحله طولانی شود، آمریکا با یک مشکل اساسی روبه‌رو خواهد شد: بازار نفت دیگر مثل گذشته با چند مرحله برداشت از ذخایر آرام نمی شود. سطح پایین ذخایر باعث می شود هر بحران تازه، مستقیماً به قیمت نفت، بنزین و تورم آمریکا منتقل شود. این وضعیت برای واشنگتن خطرناک است، زیرا اقتصاد آمریکا هم‌زمان با تورم بالا، فشار فدرال زرو حساسیت شدید افکار عمومی نسبت به قیمت سوخت روبه‌روست. افزایش دوباره قیمت بنزین می تواند فشار سیاسی داخلی را بالا ببرد و هزینه ادامه تقابل با ایران را افزایش دهد. درواقع، آمریکا شاید بتواند بحران کوتاه‌مدت را مدیریت کند، اما اتاوتان تحمل یک بحران طولانی انرژی در هرمز به شدت کاهش یافته است.

مصرف ذخایر: نشانه ضعف راهبردی

برداشت از ذخایر راهبردی زمانی معنادار که فرصت خرید زمان برای حل بحران ایجاد کند، اما اگر بحران ادامه پیدا کند و ذخایر نیز کاهش یابد، همان سیاست به نقطه ضعف تبدیل می شود. اکنون دقیقاً همین اتفاق رخ داده است. آمریکا طی ماه‌های گذشته از ذخایر خود برای کنترل بازار استفاده کرده، اما نتیجه این شده که در آستانه بحران احتمالی جدید، موجودی اضطراری آن به سطحی بسیار پایین رسیده است. به همین دلیل، هرگونه تشدید تنش با ایران دیگر فقط یک مسئله نظامی یا سیاسی نیست؛ بلکه مستقیماً به توان اقتصادی آمریکا برای تحمل بحران انرژی گره خورده است.

آمریکا دیگر حاشیه امن نفتی گذشته را ندارد

رامین فرهادی، کارشناس اقتصادی گفت: کاهش ذخایر راهبردی آمریکا به محدوده ۳۱۹ میلیون بشکه، پیام روشنی برای بازار جهانی دارد؛ واشنگتن دیگر مانند گذشته نمی تواند با عرضه اضطراری نفت، شوک‌های بزرگ را کنترل کند. وی ادامه داد: در صورت افزایش تنش در خلیج فارس یا اختلال جدی در تنگه هرمز، بازار نفت به سرعت متوجه محدودیت آمریکا خواهد شد. به گفته این کارشناس، وقتی ذخایر پایین است، آزادسازی نفت دیگر نقش بازدارنده قوی ندارد و حتی ممکن است این نگرانی را ایجاد کند که دولت آمریکا در حال مصرف آخرین ابزارهای خود است. فرهادی تأکید کرد: ایران در چنین شرایطی از یک اهرم ژئوپلیتیکی مهم برخوردار است؛ زیرا هرگونه بحران در مسیر انرژی، مستقیماً به تورم و قیمت سوخت در آمریکا منتقل می شود و هزینه تصمیم‌گیری برای واشنگتن را بالا می برد.

آمریکا در برابر هر آسیب بدتر نشد؛ است

کاهش ذخایر راهبردی نفت آمریکا به پایین ترین سطح چند دهه اخیر نشان می دهد واشنگتن بخش مهمی از سپر انرژی خود را از دست داده است. آمریکا دیگر در حوزه مدیریت شوک نفتی، دیگر حاشیه امن گذشته را ندارد. در چنین شرایطی، بسته ماندن یا تا‌ایمن شدن تنگه هرمز می تواند فشار سنگینی بر بازار نفت، قیمت بنزین و تورم آمریکا وارد کند. این همان نقطه‌ای است که نشان می دهد توان آمریکا برای ادامه تقابل پرهزینه با ایران کاهش یافته است. واشنگتن شاید بتواند تنش کوتاه‌مدت را مدیریت کند، اما جنگ فرسایشی انرژی در منطقه، دیگر برای آمریکا که هزینه نخواهد بود.



ارتقای کیفی بذر؛ نخستین گام برای توسعه کشت دانه های روغنی

زهر محمدزاده کارشناس کشاورزی، با اشاره به ناکافی بودن تولید داخلی دانه های روغنی برای تأمین نیاز کشور گفت: با وجود تولید سالانه حدود ۴۵۰ هزار تن دانه روغنی، نزدیک به ۹۰ درصد روغن خوراکی و ۹۴ درصد کنجاله مورد نیاز از واردات تأمین می شود و سالانه حدود ۵ میلیارد دلار هزینه ارزی به کشور تحمیل می کند. فقدان بذرهای اصلاح شده، محدودیت های اقلیمی و رقابت با محصولات سنتی از چالش های اصلی این حوزه است و برای توسعه کشت دانه های روغنی به «اصلاح ارقام و تأمین بذر با کیفیت برای کشاورزان»، «پرداخت یارانه های هدفمند» و «تضمین خرید محصول» نیاز داریم.

زهر محمدزاده کارشناس کشاورزی، در گفت وگو با مسیر اقتصاد گفت: دانه های روغنی ازجمله کالاهای اساسی محسوب می شوند که نقش مهم و اثرگذاری در امنیت غذایی کشور ایفا می کنند. این دانه ها به دلیل ارزش تغذیه ای بالا، برای تأمین انرژی بدن مناسب هستند و به عنوان پایه تولید روغن های خوراکی مورد استفاده قرار می گیرند. همچنین کنجاله حاصل از فرآیند روغن کشی دانه های روغنی، به عنوان محصول جانبی و غنی از پروتئین، نقشی کلیدی در تأمین بخشی از نیازهای تغذیه ای صنعت دام و طیور دارد.

محمدزاده اظهار داشت: سالانه به طور متوسط ۴۵۰ هزار تن دانه روغنی در کشور تولید می شود که دانه کلزا با حدود ۲۰۰ هزار تن، بیشترین سهم تولید را به خود اختصاص داده است. همچنین محصولاتی مانند کنجد و آفتابگردان به ترتیب با ۵۰ و ۱۲ هزار تن در دره های بعدی قرار دارند. وی در ادامه با اشاره به ناکافی بودن تولید داخلی دانه های روغنی برای تأمین نیاز کشور افزود: حدود ۹۰ درصد روغن خوراکی مورد نیاز کشور و همچنین ۹۴ درصد کنجاله مصرفی صنعت دام و طیور از طریق واردات تأمین می شود. این میزان بالای وابستگی، افزون بر تحمیل سالانه حدود ۵ میلیارد دلار هزینه ارزی، امنیت غذایی کشور را در صورت ایجاد هرگونه اختلال در مسیر واردات، با مخاطره ای جدی مواجه می کند.

چالش بذر و اقلیم در توسعه کشت دانه های روغنی

این کارشناس کشاورزی با اشاره به موانع اصلی تولید دانه های روغنی گفت: نبود ارقام بذر، اصلاح سنتی، نخستین معضل توسعه کشت دانه های روغنی است. وی همچنین با اشاره به محدودیت کشت محصولاتی مانند سویا در بسیاری از مناطق کشور، شرایط اقلیمی را یکی دیگر از چالش های تولید دانه های روغنی دانست.

وی خاطرنشان کرد: خسارت ریزش دانه های کلزا در مرحله برداشت و رقابت با محصولات سنتی مانند گندم، از دیگر چالش هایی است که انگیزه کشاورزان را برای کشت دانه های روغنی کاهش داده است.

سه گام کلیدی برای توسعه دانه های روغنی

محمدزاده در پایان سه گام کلیدی را برای توسعه کشت دانه های روغنی ترسیم کرد و گفت: نخستین و بنیادی ترین گام، تمرکز تخصصی بر اصلاح ارقام بذر و تأمین بذرهای مقاوم برای کشاورزان است. در گام دوم، اجرای سیاست های حمایتی و تخصیص یارانه های هدفمند برای تولید توجه بذیری اقتصادی و ایجاد انگیزه لازم برای کشت این محصولات دنبال شود. درنهایت، تضمین خرید محصول و ایجاد بازاری پایدار، به عنوان سومین گام، زمینه را برای توسعه کشت دانه های روغنی در کشور فراهم می کند.

رشد ۱۳ درصدی سرمایه گذاری خارجی در ایران با وجود جنگ

آژنتکاد اعلام کرد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران با رشد ۱۳درصدی در سال ۲۰۲۵ به یک میلیارد و ۶۴۷ میلیون دلار رسید که این رقم بیشتر از ۱۲۰ کشور جهان بوده است.

سازمان کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آژنتکاد) جدیدترین گزارش خود از سرمایه گذاری خارجی در جهان را که مربوط به سال ۲۰۲۵ است منتشر کرده و براساس آن، سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان طی سال میلادی گذشته رشد ۶ درصدی نسبت به سال قبل از آن داشته و به رقم ۱۶۲۴ میلیارد دلار رسیده است. رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای توسعه یافته ۱۱ درصد گزارش شده واز ۶۴۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ به ۷۲۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵، رسیده است. این رقم برای کشورهای در حال توسعه فقط ۲ درصد بوده است. سرمایه گذاری مستقیم خارجی در این کشورها از ۸۸۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ به ۹۰۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵ رسیده است. با این وجود کشورهای در حال توسعه همچنان به میزان ۱۷۸ میلیارد دلار بیشتر از کشورهای توسعه یافته در سال میلادی گذشته سرمایه خارجی جذب کرده اند. رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در این سال بیشتر مربوط به افزایش سرمایه گذاری ها در حوزه مراکز داده و بعد از آن مربوط به حوزه های نفت و گاز بوده؛ این در حالی است که ورود سرمایه به حوزه هایی مثل انرژی های تجدیدپذیر، زیرساخت ها و تولید صنعتی کاهش داشته است.

سرمایه خارجی ورودی به آمریکا ۲۵ درصد کاهش یافت

آمریکا همچون سال های گذشته بیشترین میزان جذب سرمایه خارجی را در این سال داشته است. در عین حال سرمایه خارجی جذب شده در این کشور افت ۲۰۵ درصدی داشته واز ۲۸۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ به ۲۷۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵ کاهش داشته است. سنگاپور ۱۵۱ میلیارد دلار و هنگ کنگ با ۱۱۶ میلیارد دلار به ترتیب در رتبه های دوم و سوم از این نظر قرار داشته اند. چین، برزیل، انگلیس، آلمان، کانادا، امارات و مکزیک در رتبه های چهارم تا دهم از این نظر قرار داشته اند. آژنتکاد در گزارش خود از رشد ۱۳ درصدی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران طی سال ۲۰۲۵ خبر داده است. ارزش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران طی این سال به یک میلیارد و ۶۴۷ میلیارد دلار رسیده که این رقم برای سال پیش از آن یک میلیارد و ۴۴۹ میلیون دلار اعلام شده بود. رشد ۱۳ درصدی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران طی سال میلادی گذشته در حالی است که ایران طی این سال مورد تجاوز نظامی آمریکایی- صهیونی در جریان جنگ ۱۲ روزه قرار گرفت و دونالد ترامپ در سال اول دولت خود با هدف فلج کردن اقتصاد ایران، سیاست فشار حداکثری را دنبال کرد. سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران برای دومین سال متوالی در ۲۰۲۵ رشد داشته است. در سال ۲۰۲۴ نیز سرمایه خارجی وارد شده به ایران با رشد ۲ درصدی مواجه شده بود.

■ چهارشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۵ ■ ۳۰ محرم ۱۴۴۸ ■ ۱۵ July ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۵۰۶ ■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■ کد پستی: ۱۵۸۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲ ■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور



صنعت طیور ایران در دوراهی جهش تولید و تله هزینه ها

گزارش

می تواند وابستگی کشور به واردات بخشی از مواد ژنتیکی و جوجه یک روزه را کاهش دهد.

بایا این حال، افزایش ظرفیت تولید به تنهایی به معنای افزایش قدرت رقابت نیست. یکی از مهم ترین تفاوت های ایران با کشورهای پیش رو، هزینه تمام شده تولید است. بخش قابل توجهی از هزینه تولید مرغ به خوراک اختصاص دارد و این همان نقطه ای است که صنعت طیور ایران همچنان در برابر نوسانات بازار جهانی آسیب پذیر باقی مانده است. نوسانات بازار جهانی سبب شده تغییرات ذرت و کنجاله سویا، دو نهاده اصلی خوراک طیور، همچنان سهم عمده ای از واردات بخش کشاورزی ایران را تشکیل می دهند. برآوردهای بین المللی نشان می دهد تقاضای ایران برای واردات ذرت در سال زراعی ۲۰۲۶-۲۰۲۵ همچنان در سطح بالایی قرار دارد؛ زیرا نیاز صنعت دام و طیور به خوراک کاهش نیافته است. همین وابستگی سبب شده تغییرات نرخ ارز، هزینه حمل و نقل دریایی، تنش های ژئوپلیتیکی یا اختلال در تجارت جهانی، مستقیماً قیمت تمام شده مرغ و تخم مرغ را تحت تأثیر قرار دهد. تجربه سال های اخیر نیز نشان داده حتی زمانی که ظرفیت تولید داخلی کافی بوده، تأخیر در تأمین نهاده ها یا افزایش قیمت آن ها می تواند تعادل بازار را بر هم بزند.

نکته قابل توجه این است که بسیاری از کشورهای موفق صنعت طیور، علاوه بر بهبود رانندمان تولید، به سمت کاهش ضریب تبدیل خوراک حرکت کرده اند؛ شاخصی که نشان می دهد برای تولید هر کیلوگرم گوشت چه میزان خوراک مصرف می شود. هرجه این عدد پایین تر باشد، هزینه تولید نیز کاهش می یابد. در ایران اگرچه طی سال های اخیر پیشرفت هایی در اصلاح نژاد، تغذیه و مدیریت مرغداری ها حاصل شده اما همچنان فاصله محسوس با استانداردهای کشورهای پیش رو وجود دارد؛ فاصله ای که مستقیماً سودآوری تولیدکنندگان را تحت تأثیر قرار می دهد.

صادرات: فرصتی که هنوز به ثبات نرسیده است

در کنار تأمین بازار داخلی، صادرات نیز به یکی از مهم ترین محورهای توسعه صنعت طیور ایران تبدیل شده است. در سال های اخیر، تخم مرغ ایران جایگاه قابل قبولی در بازار کشورهای همسایه پیدا کرده و مقاصدی مانند عراق، افغانستان، کشورهای حوزه خلیج فارس و برخی کشورهای آسیای مرکزی از مشتریان اصلی این محصول بوده اند. مزیت جغرافیایی،

هزینه حمل و نقل کمتر نسبت به بسیاری از رقبای و نزدیک به بازارهای مصرف، ظرفیت مناسبی برای افزایش صادرات ایجاد کرده است.

با این حال، فعالان این صنعت معتقدند صادرات زمانی می تواند به یک مزیت پایدار تبدیل شود که سیاست های تجاری از ثبات بیشتری برخوردار باشند. تجربه سال های گذشته نشان داده هر زمان بازار داخلی با نوسان قیمت مواجه شده، نخستین ابزار تنظیم بازار، اعمال محدودیت یا ممنوعیت صادرات بوده است. این تصمیم ها اگرچه ممکن است در کوتاه مدت به کنترل قیمت کمک کنند اما در بلندمدت اعتماد خریداران خارجی را کاهش داده و زمینه را برای ورود رقبای منطقه ای فراهم می کنند.

از سوی دیگر، حضور در بازارهای جهانی فقط به افزایش حجم تولید وابسته نیست. استانداردهای بهداشتی، قابلیت ردیابی محصول، بسته بندی، زنجیره سرد، گواهی های بین المللی و رعایت الزامات کشورهای مقصد، اکنون به اندازه قیمت در موفقیت صادرات نقش دارند. بسیاری از تولیدکنندگان ایرانی در سال های اخیر سرمایه گذاری قابل توجهی در این بخش انجام داده اند اما هنوز همه واحدهای تولیدی به سطح استانداردهای مورد انتظار بازارهای پیشرفته نرسیده اند.

الگوی مصرف در حال تغییر است

تحولات اقتصادی سسال های اخیر، رفتار مصرف کنندگان را نیز تغییر داده است. افزایش قیمت گوشت قرمز موجب شده بخش قابل توجهی از خانوارها سهم بیشتری از نیاز پروتئینی خود را از طریق گوشت مرغ و به ویژه تخم مرغ تأمین کنند. این تغییر اگرچه به حفظ امنیت غذایی کمک کرده اما وابستگی بیش از حد سبد غذایی به یک یا دو منبع پروتئینی، می تواند در صورت بروز اختلال در زنجیره تولید، ریسک بازار را افزایش دهد. در مقابل، کارشناسان تغذیه معتقدند افزایش مصرف تخم مرغ،

در صورت رعایت الگوی تغذیه متعادل، می تواند بخشی از کمبود پروتئین با کیفیت در جامعه را جبران کند. تخم مرغ علاوه بر قیمت مناسب تر نسبت به بسیاری از منابع پروتئینی، ارزش غذایی بالایی دارد و در سال های اخیر بسیاری از محدودیت های قدیمی درباره مصرف آن نیز بر اساس مطالعات جدید علمی بازنگری شده است.

با وجود این، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، حفظ قدرت خرید خانوارهاست. هرچند ایران از نظر ظرفیت تولید در وضعیت مطلوبی قرار دارد اما اگر هزینه تولید به دلیل افزایش قیمت نهاده ها، انرژی، حمل و نقل یا سایر عوامل رشد کند، فشار نهایی به مصرف کننده منتقل خواهد شد. بنابراین پایداری بازار فقط با افزایش تولید محقق نمی شود، بلکه مدیریت هزینه ها و ارتقای بهره وری نیز به همان اندازه اهمیت دارد.

بهره وری: حلقه مفقوده رقابت با تولیدکنندگان بزرگ جهان

بررسی روند صنعت طیور در کشورهای پیش رو نشان می دهد رقابت امروز دیگر بر سر تعداد مرغداری ها یا میزان تولید نیست، بلکه بر سر کاهش هزینه، افزایش رانندمان و استفاده از فناوری های نوین شکل گرفته است. سامانه های هوشمند کنترل دما و تهویه، تغذیه دقیق، تحلیل داده های تولید، ژنتیکی و کاهش ضریب تبدیل خسوراک، اکنون به بخش جدایی ناپذیر صنعت طیور در بسیاری از کشورها تبدیل شده اند. در ایران نیز طی سال های اخیر بخشی از واحدهای صنعتی به سمت استفاده از این فناوری ها حرکت کرده اند اما هنوز بخش قابل توجهی از واحدهای کوچک و متوسط با تجهیزات قدیمی فعالیت می کنند. همین موضوع باعث می شود اختلاف قابل توجهی میان عملکرد واحدهای پیش رو و میانگین صنعت وجود داشته باشد.

از سوی دیگر، بیماری های طیور همچنان یکی از مهم ترین تهدیدهای این صنعت محسوب می شوند. شیوع آنفلوآنزا فوق حاد پرندگان در نقاط مختلف جهان طی سال های اخیر نشان داده که حتی بزرگ ترین تولیدکنندگان نیز از این ریسک مصون نیستند. به همین دلیل، تقویت نظام پایش بیماری ها، افزایش سطح امنیت زبستی در مرغداری ها، واکنش سریع در برابر کانون های بیماری و توسعه خدمات دامپزشکی، بیش از گذشته اهمیت یافته است. در کنار این موارد، کاهش وابستگی به واردات نهاده های دامی نیز به یکی از اولویت های راهبردی تبدیل شده است. توسعه کشت دانه های روغنی، افزایش بهره وری تولید ذرت علوفه ای و استفاده از خوراک های جایگزین می تواند بخشی از فشار واردات را کاهش دهد، هرچند تحقق این هدف به سرمایه گذاری، برنامه ریزی بلندمدت و هماهنگی میان بخش های مختلف کشاورزی نیاز دارد.

در مجموع، صنعت طیور ایران امروز در نقطه ای قرار گرفته که از یک سو توان تأمین بخش عمده نیاز داخلی و حتی حضور در بازارهای صادراتی را دارد و از سوی دیگر، همچنان با چالش های ساختاری روبه رو است که مانع از دستیابی به حداکثر ظرفیت رقابتی می شوند. تداوم وابستگی به نهاده های وارداتی، نوسان سیاست های تجاری، فاصله بهره وری با استانداردهای جهانی و نیاز به نوسازی بخشی از واحدهای تولیدی، مهم ترین مسائلی هستند که آینده این صنعت را تحت تأثیر قرار خواهند داد.

با این حال، اگر سیاست گذاری ها به سمت افزایش بهره وری، ثبات رقابت، توسعه فناوری، حمایت هدفمند از تولید و تقویت زیرساخت های صادراتی حرکت کند، صنعت طیور می تواند از یک بخش صرفاً تأمین کننده نیاز داخلی، به یکی از موتورهای ارزآوری کشاورزی ایران در سال های آینده تبدیل شود. ظرفیت تولید، تجربه فعالان این صنعت و موقعیت جغرافیایی ایران، فرصت هایی هستند که در صورت مدیریت صحیح، می توانند کشور را در بازار منطقه ای پروتئین ارتقا دهند.

بسیاری از کشورهای موفق صنعت طیور، علاوه بر بهبود رانندمان تولید، به سمت کاهش ضریب تبدیل خوراک حرکت کرده اند؛ شاخصی که نشان می دهد برای تولید هر کیلوگرم گوشت چه میزان خوراک مصرف می شود.

بسیاری از کشورهای موفق صنعت طیور، علاوه بر بهبود رانندمان تولید، به سمت کاهش ضریب تبدیل خوراک حرکت کرده اند؛ شاخصی که نشان می دهد برای تولید هر کیلوگرم گوشت چه میزان خوراک مصرف می شود.

بسیاری از کشورهای موفق صنعت طیور، علاوه بر بهبود رانندمان تولید، به سمت کاهش ضریب تبدیل خوراک حرکت کرده اند؛ شاخصی که نشان می دهد برای تولید هر کیلوگرم گوشت چه میزان خوراک مصرف می شود.

زیادی در این بستگی دارد که اقتصاد ایران در ماه های پیش رو بیشتر تحت تأثیر تورم انتظاری قرار می گیرد یا رکود تقاضا.

تورم کل روی دو پایه ایستاده است

داده های خرد داده ماه یک پیام مهم دیگر هم دارد: تورم کل در اقتصاد ایران دیگر فقط محصول یک بخش نیست. اگرچه جهش قیمت کالاها اکنون چهره آشکارتری از تورم را نشان می دهد اما نقش خدمات در حفظ سطح بالای تورم همچنان تعیین کننده است. اینکه اثر تورم کالا و خدمات در محاسبه تورم نقطه ای کل نزدیک به هم برآورد می شود، یعنی حتی تورم ۴۰ درصدی خدمات نیز به دلیل وزن بالای آن در سبد مصرف، همچنان یکی از عوامل اصلی تورم کل خواهد شد. در این میان، دو سبب روپیش روی تورم کل را می توان بزرگ ترشود. این موضوع به ویژه در بخش هایی مانند مسکن، اجاره، حمل و نقل، آموزش و برخی خدمات شهری اهمیت دارد. برای مثال، اگر رکود در بازار مسکن و کاهش توان پرداخت خانوارها شد بگیرد، سرعت تورم کل کندتر شود. به همین ترتیب، در بخش خدماتی که به تقاضای روزمره خانوار وابسته اند، فشار رکودی می تواند مانع از آن شود که بنگاه ها همه افزایش هزینه های خود را به مصرف کننده منتقل کنند. بنابراین آینده تورم خدمات تا حد



خرید، افت مصرف خانوار و افزایش بیکاری مواجه شود، تورم خدمات ممکن است نتواند با همان شدت تورم کالاها حرکت کند. علت روشن است: بخش بزرگی از خدمات مستقیماً به تقاضای داخلی وابسته است. در شرایطی که خانوارها درآمد واقعی کمتری دارند و بنگاه ها با افت فعالیت روبه رو هستند، امکان افزایش نرخ خدمات نیز محدودتر می شود. در چنین شرایطی، شکاف میان تورم کالا و خدمات حتی می تواند بزرگ تر شود. این موضوع به ویژه در بخش هایی مانند مسکن، اجاره، حمل و نقل، آموزش و برخی خدمات شهری اهمیت دارد. برای مثال، اگر رکود در بازار مسکن و کاهش توان پرداخت خانوارها شد بگیرد، سرعت تورم کل کندتر شود. به همین ترتیب، در بخش خدماتی که به تقاضای روزمره خانوار وابسته اند، فشار رکودی می تواند مانع از آن شود که بنگاه ها همه افزایش هزینه های خود را به مصرف کننده منتقل کنند. بنابراین آینده تورم خدمات تا حد

گرانی در سایر بخش ها نیز ادامه خواهد یافت.

در چنین فضای، ارائه دهندگان خدمات نیز برای جبران افزایش هزینه ها با پیشگیری از کاهش حاشیه سود، قیمت های خود را تعدیل می کنند. از همین منظر یکی از مهم ترین ریسک های ماه های آینده آن است که تورم خدمات تا فاز آرام رفتگی خارج شود و به موتور دوم تورم تبدیل شود. اگر این اتفاق رخ دهد، حتی در صورتی که تورم کالاها از اوج فعلی فاصله بگیرد، تورم کل لزوماً کاهش محسوسی نخواهد داشت، زیرا فشار از کانال خدمات ادامه پیدا می کند. به بیان ساده، در مرحله نخست شوک ارزی و هزینه ای تورم کالاها به محسوسی کاهش می یابد اما در مرحله بعد، اثر انتظارات تورمی، رشد دستمزدها و تعدیل قیمت ها می تواند خدمات را هم وارد مدار صعودی کند.

سانبوی دوم: رکود، مانع سرایت کامل تورم به خدمات

با این حال، یک نیروی بازدارنده هم نیز در برابر این روند وجود دارد: رکود و افت تقاضای داخلی. اگر اقتصاد در ماه های آینده با کاهش بیشتر قدرت

چیز از نرخ ارز، هزینه واردات، شوک های سمت عرضه و اختلال در زنجیره تأمین تأثیر می گیرد. کالاها، به ویژه در بخش خوراکی ها، لوازم مصرفی، تجهیزات، دارو، پوشاک و اقلام وابسته به مواد اولیه وارداتی، سریع تر از خدمات به تغییرات ارزی واکنش نشان می دهند. در دوره هایی که نرخ ارز جهش می کند یا واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای با اختلال روبه رو می شود، قیمت کالاها تقریباً با فاصله تحت فشار قرار می گیرد. به همین دلیل، عبور تورم نقطه ای کالاها از سطح ۱۲۰ درصد در خرداد ماه را می توان نشانه ای از انتقال شدید شوک های ارزی و هزینه ای به بازار کالا دانست. در مقابل، تورم خدمات معمولاً رفتاری کندتر اما

ماندگارتر دارد. قیمت خدمات کمتر به واردات مستقیم وابسته است و بیشتر از سطح تقاضای داخلی، دستمزد نیروی کار، اجاره بها، هزینه حمل و نقل و انتظارات تورمی اثر می پذیرد. این ترکیب آماری در ماه های آینده ترسیم می کند. بر نسبت به کالا وارد فاز جهش قیمتی می شود اما وقتی این افزایش آغاز شد، بازگشت آن نیز دشوارتر است. به بیان دیگر، تورم کالاها معمولاً سریع تر شعله ور می شود اما تورم خدمات اگر بالا برود، اجاره، حمل و نقل، آموزش، درمان، تعمیرات و سایر هزینه های جاری، سهم بزرگی در هزینه خانوارها دارند.

به همین دلیل، حتی اگر نرخ تورم خدمات پایین تر از کالاها باشد، باز هم می تواند سهمی تقریباً هم وزن در تورم کل داشته باشد. در مقابل، کالاها اگرچه در ماه های اخیر با جهش شدیدی رترو مواجه شده اند اما وزن آنها در سبد مصرف به شکلی است که اثرشان در نهایت با خدمات به نقطه ای نزدیک می شود.

چرا تورم کالاها جلوتر از خدمات حرکت کرده است؟

تورم کالاها در اقتصاد ایران معمولاً بیش از هر

جهش تورم نقطه ای کالاها به بالای ۱۲۰ درصد در خرداد ۱۴۰۵، شکاف کوسابقه ای با تورم خدمات ایجاد کرده؛ شکافی که با انتقال انتظارات تورمی می تواند مسیر تورم ماه های آینده را تعیین کند. آمارهای تورمی خرداد ماه ۱۴۰۵ از یک شکاف معنادار میان تورم کالاها و تورم خدمات حکایت دارد؛ شکافی که در عین حال، تصویری پیچیده از مسیر تورم در ماه های آینده ترسیم می کند. بر اساس داده های موجود، تورم نقطه به نقطه کل در خردادماه به حدود ۹۰ درصد رسیده، در حالی که تورم نقطه ای کالاها از ۱۲۰ درصد فراتر رفته و تورم نقطه ای خدمات در محدوده ۶۰ درصد قرار داشته است. با وجود این فاصله قابل توجه، وزن اثر گردان تورم کالا و خدمات در محاسبه تورم نقطه ای کل، نزدیک به یکدیگر برآورد می شود؛ موضوعی که نشان می دهد هر دو بخش، هرچند با شدت متفاوت، در شکل گیری تورم عمومی نقش مهمی دارند. این ترکیب آماری در ماه های آینده ترسیم می کند. بر چگونه ممکن است تورم کالاها بیش از ۱۲۰ درصد و تورم خدمات حدود ۴۰ درصد باشد اما اثر این دو بر تورم کل نزدیک به هم باقی بماند؟ پاسخ در وزن بالای خدمات در سبد مصرف خانوار نهفته است. خدمات ازجمله اجاره، حمل و نقل، آموزش، درمان، تعمیرات و سایر هزینه های جاری، سهم بزرگی در هزینه خانوارها دارند. به همین دلیل، حتی اگر نرخ تورم خدمات پایین تر از کالاها باشد، باز هم می تواند سهمی تقریباً هم وزن در تورم کل داشته باشد. در مقابل، کالاها اگرچه در ماه های اخیر با جهش شدیدی رترو مواجه شده اند اما وزن آنها در سبد مصرف به شکلی است که اثرشان در نهایت با خدمات به نقطه ای نزدیک می شود.

چرا تورم کالاها جلوتر از خدمات حرکت کرده است؟

تورم کالاها در اقتصاد ایران معمولاً بیش از هر